



عزای "تک نفره" احمدی نژاد برای چاوز

نوسط حسین علیزاده

در خصوص اعلام عزای عمومی از طرف هیات دولت به پاس قدردانی از هوگو چاوز و ملت او ملاحظاتی چند وجود دارد که خود می تواند سرفصل مهمی را بازگشاید که آیا اعتدال روانی و توازن منطقی در اعلام چنین تصمیم هایی وجود دارد؟ اگر نه، چرا زمام امور یک کشور در دستان فرد یا افراد غیر متعادل سپرده شده است؟ این ملاحظات عبارتند از:

۱- مرگ هوگو چاوز، بی تردید هرگز موجبات تألم و تأثر ملی را در ایران دامن نژده است. چه بسا از میلیون ها مردم عادی (کشاورز و برزرگر و کاسب و خانه دار و...) به رغم سفرهای عدیده چاوز به ایران بسیاری حتی نام کشور او و موقعیت جغرافیایی آن را هم نداندند چه رسد به اندوهناک بودن برای درگذشت او.

۲- اعلام عزای عمومی در ایران برای مرگ چاوز در حالی است که تاکنون اعلام عزای عمومی در ایران برای درگذشت هیچ شخصیت خارجی سابقه نداشته است. مثلاً جمهوری اسلامی به مناسبت فوت حافظ اسد، شریک استراتژیک اش، هرگز در ایران اعلام عزای عمومی نکرد. ارسال پیام تسلیت، نهایت ابراز همدردی است که گاه با حضور مقامات ارشد کشور در مراسم متوفی رنگ و بوی جدی تری می گیرد.

۳- از سوی دیگر مفهوم عزای عمومی در نهاد خود، اندوهناک بودن عموم مردم را دارد که بنا به سنن و آداب هر کشوری گاه به شکل پوشیدن جامه سیاه، گاه شیون و زاری و... ظهور و بروز می یابد در حالی که هیچ یک از این واکنش های اجتماعی به عنوان نشانه اندوه حتی در اعضای هیات دولت برای مرگ چاوز دیده نشد چه رسد به عموم ایرانیان.

۴- شدت اندوهناک بودن مردم در عزای عمومی به گونه است که سبیل پیام های تسلیت از سوی گروه های مرجع مثل هنرمندان، سیاستمداران و صاحبان قدرت و مکتب روانه می شود تا هر یک همدردی خود را به گونه ای ابراز کنند. با این حساب، جای این پرسش باقی است که اگر مرگ چاوز چنان تألم برانگیز است که دولت جمهوری اسلامی یک روز عزای عمومی اعلام کند، چرا رهبر جمهوری اسلامی پیام تسلیتی نفرستاده است؟ چرا سران دیگر قوا و مراجع تقلید در غم عزیز تازه گذشته ای که شهید نام گرفت به قدر سطری پیام تسلیت نفرستاده اند؟ جالب این است که نه تنها پیام تسلیتی از این افراد دیده نشد، بلکه احمد خاتمی عضو خبرگان رهبری، چنان پیامی را با تلفیق مضامین اعتقادی شیعه (مثل اینکه چاوز با امام زمان ظهور

خواهد کرد) زیاده روی دانست!
۵- جالب است که اگر در فقدان شخصیتی برجسته، نخستین واکنش جامعه بهمت و ناباوری نسبت به از دست دادن متوفی است یا هروری به رسانه های ایران دانسته می شود که بسیاری از رسانه ها در بهمت و ناباوری از اعلام عزای عمومی در ایران برای مرگ رهبر کشوری دیگر و همچنین صدور پیام تسلیتی چنان غلیظ در رئای او فرو رفته اند. این ناباوری از آن خاطر است که مردم می پرسند چگونه پرتو عقل و خرد تا این حد در مدیریت کشور فروکش کرده است؟

۶- یکی از ناباوری هایی که رسانه ها به بازتاب آن همت گماشتند طرح این پرسش بود که چگونه هیات دولت به اعلام عزای عمومی نسبت به زلزله و زرقان، آتش گرفتن نونهالان در دبستان انقلاب اسلامی در شین آباد، سقوط

عزای تک نفره

هواپیمای مسافربری در ارومیه و غرق شدن مسافران اتوبوس دریایی در خلیج فارس میبدرت نکرد؟ برای مثال در حادثه زلزله تابستان ۹۱ در ورزقان تنها یک روز عزای در سطح استان آذربایجان شرقی اعلام شد و احمدی نژاد بدون صدور پیام تسلیت عازم مکه شد تا ضمن ادای حج عمره، در اجلاس سران اسلامی شرکت کند. این در حالی است که سران دیگر کشورها معمولاً سفر خود را ناتمام رها می کنند و به کشور باز می گردند تا در کنار مردم داغ دیده خود باشند.

عزای تک نفره احمدی نژاد برای چاوز

تردید نیست که آنچه عزای عمومی نام گرفت، فقط احساسات غلبان گرفته احمدی نژاد بود به مرگ دوست خود چرا که در انزوای بین المللی او (که طی هشت سال حتی یک سفر دوجانبه به اروپا نداشت)، فقط چاوز بود که در ازای رقم های درشت سرمایه گذاری ایران در کشورش (از قبیل صنایع خودروسازی، خانه سازی و...) پذیرای قدم چیتین و چند باره احمدی نژاد در کشورش بود.

حقایقی بسیاری درباره سوده های بسیاری که دولتمردان جمهوری اسلامی از این همکاری تجاری با ونزوئلا به جیب زده اند، هنوز سر به مهر باقی مانده است ولی تردیدی نیست که احمدی نژاد به عنوان کسی که همواره خود را مُلت ایران می نامد، این حق را بر خود روا می دارد که اگر او عزادار است باور داشته باشد که ملت ایران نیز عزادار است.

پیام تسلیتی مشابه فوت آیت الله خمینی
پیام تسلیتی احمدی نژاد متجاوز از ۵۴۰ کلمه است. این در حالی است

که پیام او سرتاسر مشحون از فرازهای عاطفی و تعبیر حماسی و عجیب تر از همه مضامین اسلامی است. گزاف نیست اگر بگوییم مضمون این پیام، مشابه پیام درگذشت احمد خمینی به مناسبت فوت بنیانگذار جمهوری اسلامی است که هیچ سخنی با هوگو چاوز ندارد. او تا آنجا پیش می رود که باور دارد چاوز دوباره زنده خواهد شد و در کنار مسیح موعود و انسان کامل (تعبیر احمدی نژاد برای امام زمان) باز خواهد گشت. (احمدی نژاد، تردید ندارم که او باز خواهد گشت و به همراه همه صالحان و حضرت مسیح (ع) و تنها باقیمانده از نسل پاکان، انسان کامل، خواهد آمد و جامعه بشری را در استقرار صلح و عدالت کامل و مهربانی و کمال یاری خواهد کرد)
اعتدال روانی
پیام تسلیتی با چنان مضامینی و اعلام عزای عمومی با چنان شرحی، یکی از هزاران رفتارهای نامتعادل احمدی نژاد است که حتی حلقه های نزدیک بیت رهبری را به فغان آورده است. با این حساب پرسش این است که زمام امور کشوری هشتاد میلیونی آیا در دست کسی است که از اعتدال روانی و رفتار منطقی لازم برخوردار است؟ اگر نه، چرا؟